

کوچک و متوسط برای ایجاد فرصت‌های شغلی برای مردم محلی حمایت می‌کند. این طرح بر شفافیت در مدیریت کمک‌ها تأکید دارد تا از سوءاستفاده گروه‌های مسلح یا غیرقانونی جلوگیری شود. این اقدام پیش‌نیازی برای ایجاد اعتماد شهروندان غزه به تلاش‌های امنیتی بین‌المللی و ایجاد محیطی مساعد برای موفقیت سایر اقدامات است. این طرح آوارگی فلسطینی‌ها را رد می‌کند و بر ادامه حضور آنها در نوار غزه تأکید دارد، درحالی‌که فرصت‌هایی برای آموزش، اشتغال و مراقبت‌های بهداشتی فراهم می‌کند. این امر با مواضع قبلی ترامپ و تعهد راسخ راست‌گرایان اسرائیل به آوارگی اجباری فلسطینی‌ها که یک جنایت جنگی است، در تضاد است. اگر چه این طرح به طرز ناخوشایندی مبهم است، اما حق بازگشت به غزه را برای کسانی که آنجا را ترک کرده‌اند یا خواهند رفت، تصریح می‌کند. در مورد جنبه‌های سیاسی و اداری، پیشنهاد ترامپ نشان‌دهنده تمایل به بازسازی حکومت محلی در غزه به منظور تضمین استقلال اداره مدنی از هرگونه نفوذ مسلحانه است. این امر توسط هیئت صلح، کمیته‌ای پیشنهادی به ریاست ترامپ و شامل چندین سازمان جامعه مدنی که بر پیشرفت نظارت خواهند داشت، اجرا خواهد شد. این طرح همچنین شامل سازوکارهایی برای تسهیل هماهنگی بین هیئت صلح و سازمان ملل، آژانس‌های آن و نهادهای بین‌المللی، از جمله ضمانت‌های حقوقی و سیاسی روشن برای حفاظت از حقوق فلسطینیان است که مشروعیت طرح را تقویت می‌کند.

بعد منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر تشکیل نیروی بین‌المللی ثبات توسط مصر، اردن و ایالات متحده و آموزش نیروهای امنیتی فلسطین توسط مصر و اردن برای به عهده گرفتن مسئولیت‌ها در غزه پس از دوره انتقالی است. همچنین به کشورهای عربی، اسلامی و اروپایی برای ارائه حمایت مالی، سیاسی و فنی متکی است. این طرح تأکید می‌کند که مشارکت کشورهای عربی و اسلامی و طرف‌های بین‌المللی باید با تعریف روشنی از مسئولیت‌ها و تعهدات هر دو طرف اسرائیلی و فلسطینی همراه باشد. این تقسیم‌بندی با هدف تضمین اثربخشی، جلوگیری از درگیری و حفاظت از حقوق مردم غزه انجام می‌شود. این طرح با اشاره به این نکته پایان می‌یابد که پایان دادن به جنگ در غزه، بازگرداندن امنیت، خلع سلاح و تثبیت مدیریت آن - همراه با تعهد تشکیلات خودگردان فلسطین به اجرای برنامه‌های اصلاحی خاص - می‌تواند در را برای مذاکره در مورد حق مشروع مردم فلسطین برای ساختن کشور خود باز کند.

طرح ترامپ برای غزه جامع و بلندپروازانه است و از حمایت گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی بر خوردار است. با این حال، موانع اجرایی بر سر راه این طرح، متعدد و قابل توجه هستند. از یک سو، تضمین تعهد اسرائیل به عدم استفاده از زور پس از اجرای طرح و برقراری آتش بس، یک چالش خواهد بود. این امر مستلزم نظارت دقیق منطقه‌ای و بین‌المللی، هماهنگی مداوم و نقش پایدار آمریکا برای جلوگیری از هرگونه عدم تمایل به عقب‌نشینی است که می‌تواند بلافاصله غزه را دوباره به چرخه خشونت بکشاند. از سوی دیگر، تضمین تمایل حماس به خلع سلاح و پایبندی

به نظارت امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه با توجه به عدم وجود خطوط و زمان بندی مشخص برای خروج نیروهای اسرائیلی از نوار غزه، یک مانع اساسی است. موفقیت این طرح همچنین مستلزم فراهم کردن امکان حمایت شرکای منطقه‌ای از آن است. به‌ویژه، نقش مصر و اردن در تشکیل نیروی بین‌المللی ثبات‌بخش و مشارکت در مدیریت امنیتی از طریق آموزش پرسنل پلیس فلسطین باید به وضوح مشخص شود. هرگونه ابهام از سوی طرف‌های اسرائیلی و فلسطینی در مورد تعهداتشان در این طرح، یا تردید در تعریف مکانیسم‌ها و محدودیت‌های مشارکت مصر، اردن و سایر کشورهای عربی، می‌تواند اثربخشی ترتیبات امنیتی را تضعیف کند. خطر اینجاست که دولت محلی، تحت هدایت هیئت صلح، در مواجهه با چالش‌های پیچیده امنیتی و بشردوستانه، بدون حمایت ره‌ا می‌شود.

از این نظر، ایجاد تعادل بین اهداف بلندپروازانه و ظرفیت اجرایی، چالش تعیین‌کننده در طرح پیشنهادی ترامپ است. ایالات متحده باید سرمایه‌گذاری سنگینی، چه از نظر دیپلماتیک و چه از نظر سیاسی، انجام دهد تا پایبندی

اسرائیل به تعهداتش را تضمین کند. به همین ترتیب، طرف‌های منطقه‌ای مانند مصر، اردن، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و ترکیه باید با حماس همکاری کنند تا از پایبندی آن به شرایط دشوار خلع سلاح اطمینان حاصل شود. هر طرحی، صرف نظر از اینکه چقدر از نظر استراتژیک درست باشد، برای دستیابی به نتایج ملموس، نیاز مند تعهد سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی پایدار است. در ارزیابی کلی، طرح ترامپ ممکن است خوب به نظر برسد. این طرح ابعاد بشردوستانه و توسعه‌ای را با ابعاد امنیتی و سیاسی ترکیب می‌کند. چارچوبی برای ادغام نقش‌های بین‌المللی و عربی در بازگرداندن و حمایت از ثبات در غزه ایجاد می‌کند. همچنین، در راه روی یک راه‌حل سیاسی برای مسئله فلسطین می‌گشاید، حتی اگر آن را به اصلاح تشکیلات خودگردان فلسطین مرتبط کند و هیچ زمینه یا زمانی برای آن مشخص نکنند. در نهایت، این طرح توانایی همه طرف‌های درگیر را برای دستیابی به اجماع و پذیرش مسئولیت می‌سجد و بر لزوم مدیریت دقیق درگیری در چارچوب توازن‌های پیچیده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید می‌کند.

اندیشکده

چرا عربستان در سوریه سرمایه گذاری می کند؟

تبدیل شد و با بحران رو به رشد مواد مخدر روبه‌رو است. در حالی که تولید کاپتاگون از سوریه خارج شده است، ریاض می‌خواهد خطر ظهور مجدد آن را کاهش دهد.

ابتکارات ریاض

با توجه به اینکه دولت سوریه از دریافت کمک‌های مالی از خودداری می‌کند، سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک عربستان سعودی با هدف تقویت استقلال سوریه از این جریان‌های درآمدی و در عین حال افزایش نفوذ ریاض انجام می‌شود. برای جبران محدودیت‌های بودجه دولت سوریه، عربستان سعودی و قطر متعهدشده‌اند که حقوق کارمندان دولت را پرداخت کنند و دهی ۱۵/۵ میلیون دلاری این کشور به بانک جهانی را تسویه کنند. ریاض همچنین معاملات و یادداشت‌های تفاهمی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، از جمله در بخش‌های انرژی و ساخت و ساز، منعقد کرده است. در ماه ژوئیه، خالد بن عبدالعزيز الفالح، وزیر سرمایه‌گذاری عربستان سعودی، از انعقاد ۶/۴ میلیارد دلار قرارداد در حوزه املاک و مستغلات، زیرساخت‌ها و مخابرات خبر داد. با این معاملات، او از ایجاد یک شورای تجاری سعودی -سوریه خبر داد. همه اینها در جهت احیای اقتصاد سوریه و در عین حال اعطای نفوذ قابل توجه به ریاض عمل خواهند کرد.

چرا سوریه خواهان سرمایه گذاری خارجی است

هزینه بازسازی پس از جنگ سوریه بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است، هزینه‌ای که سوریه به‌تنهایی نمی‌تواند از عهده آن برآید. این امر، احیای اقتصادی را به اولویت اصلی رهبری جدید سوریه تبدیل می‌کند که باید درآمد ایجاد کند و کشور را برای حفظ حمایت مردمی بازسازی کند. در میان سرمایه‌گذاری‌های ریاض، سهم قابل توجهی در بخش‌های سیمان و بتن سوریه وجود دارد که نقش حیاتی در تلاش‌های بازسازی ایفا خواهد کرد. در حالی که بخش عمده‌ای از سوریه ویرانه‌های جنگ داخلی است، تقاضای عمومی برای بازسازی به دلیل هزینه‌های بالا همچنان پایین است. احیای صنعت سیمان و بتن سوریه باعث ایجاد شغل، افزایش درآمد دولت و کاهش هزینه کلی بازسازی خواهد شد.

پیش از جنگ داخلی، اقتصاد سوریه به تولید نفت و گاز طبیعی سرپا‌نگه داشته می‌شد. با متوقف شدن تولید در پی درگیری‌ها، حکومت اسد به عنوان یک دولت رانتی و وابسته به مواد مخدر غیرقانونی شروع به فعالیت کرد. این امر اقتصاد سوریه را فلج کرد و به سقوط اسد کمک کرد. درآمد نفت و گاز در طول جنگ داخلی کاهش یافت و بیشتر میادین سوریه در شمال شرقی در مناطقی که تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه هستند، واقع شده‌اند. در حالی که دولت الشرع برای این منابع رقابت می‌کند، محدودیت‌های آنها را درک می‌کند و جذابیت جایگزینی را که سرمایه‌گذاری‌های ریاض می‌تواند ایجاد کند، افزایش می‌دهد.

آینده چگونه خواهد بود؟

اقدام نظامی اسرائیل در سوریه، احتمالاً مانع سرمایه‌گذاری مداوم عربستان سعودی نخواهد شد. حتی بدون مداخله اسرائیل، بخش عمده‌ای از سوریه در خارج از دمشق درگیری بی‌ثباتی است. در حالی که این بی‌ثباتی ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، عربستان سعودی برای تجدیدنظر در استراتژی سوریه خود به هرج و مرج قابل توجهی نیاز دارد. درحالی که تحمل عربستان سعودی برای ریسک در سوریه بالا است، عوامل داخلی و خارجی می‌توانند بر آن غلبه کنند. احتمالاتی شامل درگیری‌های داخلی بین هیئت‌تحریرالشام و نیروهای دموکراتیک سوریه، ظهور مجدد داعش، فروپاشی ائتلاف حاکم در سوریه یا حمله همه‌جانبه اسرائیل به سوریه می‌تواند برنامه عربستان را به هم بریزد. این رویدادها یا در جات مختلفی از احتمال، امکان‌پذیر هستند. با این حال، هرچه عربستان سعودی وسایر بازیگران منطقه‌ای سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهند، دولت مرکزی سوریه بیشتر تقویت می‌شود و احتمال وقوع این رویدادها کاهش می‌یابد. عطش سوریه برای سرمایه‌گذاری، معامله افزایش نفوذ عربستان سعودی را برای رهبران آن خوشایندتر می‌کند. علاوه بر این، اهداف ملمس‌ق در مورد مبارزه با تولید کاپتاگون و محدود کردن بازگشت نفوذ ایران با الزامات ریاض همسو است. احتمال کمی وجود دارد که دولت جدید سوریه سرمایه‌گذاری را محدود کند.

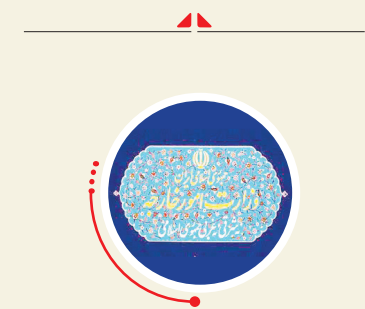
از آنجایی که سایر قدرت‌های منطقه‌ای نیز برای نفوذ در دمشق رقابت می‌کنند، تحمل ریسک ریاض می‌تواند به نقطه اوج جدیدی برسد. همانطور که قطر و ترکیه تاریخ حمایت‌شان را به احمد الشرع یادآوری می‌کنند و اقدامات خود را انجام می‌دهند، ریاض مجبور خواهد شد سرمایه‌گذاری‌های خود را افزایش دهد. این ترکیب الزامات، پتانسیل و رقابت منجر به افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در آینده خواهد شد.

دیپلمات‌ها



۴ شرط آمریکا برای مذاکره

یک مقام آمریکایی با ادعای اینکه اسنپ‌بک، فضایی برای «یک راه‌حل دیپلماتیک» با ایران ایجاد خواهد کرد، گفته اقدام غرب با هدف تشویق ایران به پذیرش چهار شرط به‌عنوان مبنای مذاکرات جدیددر نظر گرفته شده است. یک مقام ارشد اروپایی در اظهاراتی درباره اقدام خصمانه تروئیکای اروپایی و آمریکا در بازگرداندن تحریم‌های لغوشده شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران از طریق سازوکار اسنپ بک مدعی شد که «اعمال مجدد تحریم‌ها گزینه‌ای نبود که ترجیح داده شود و تلاش‌ها برای جلوگیری از تشدید تنش ادامه دارد.» این مقام که خواست‌نامش فاش نشود، گفت: «درهای دیپلماتیک هنوز باز است و ما به راه‌حل نظامی برای بحران گسترش سلاح‌های هسته‌ای اعتقاد نداریم.» یک مقام آمریکایی نیز که در جریان این سیاست‌ها قرار دارد، اظهار داشت: «دولت ترامپ معتقد است که اکنون زمان افزایش فشار است و تحریم‌ها و مکانیسم ماشه «فضایی» برای «یک راه‌حل دیپلماتیک» ایجاد خواهد کرد.» به ادعای مقام آمریکایی، این فشار باهدف تشویق ایران به پذیرش چهار شرط سختگیرانه به‌عنوان مبنای مذاکرات جدید در نظر گرفته شده است: مذاکرات باید «معنی‌دار» و مستقیم باشد، تهران باید با غنی‌سازی صفر مواد هسته‌ای و محدود کردن برنامه موشکی خود موافقت کند و همچنین باید تأمین مالی نیروهای مورد حمایت خود در منطقه را متوقف کند. روزنامه آمریکایی تأکید کرد که چنین شرایطی از مهمترین موانع در دور قبلی مذاکرات تهران و واشنگتن بودند و احتمالاً ایران آن‌ها را به‌عنوان شروط غیر قابل اجراتفسیر خواهد کرد. مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی تابستان امسال طی دو ماه پنج دور مذاکره برگزار کردند اما این مذاکرات پس از حمله متجاوزانه رژیم صهیونیستی به ایران در ۱۳ ژوئن متوقف شد. با این حال، یک مقام ارشد عربی که ارتباط نزدیکی با دولت ترامپ دارد با بیان اینکه او در دیدار با همتایان آمریکایی خود به آنها توصیه می‌کند که کاهش تنش تنها راه جایگزین است، تأکید کرد: «دیپلماسی باید راهگشا باشد.»



مشارکت با مسکو لازم‌الاجرا است

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بیانیه‌ای را در ارتباط با لازم‌الاجرا شدن «معاهده مشارکت جامع راهبردی» بین تهران و مسکو منتشر کرد.در این بیانیه آمده است: «معاهده مشارکت جامع راهبردی بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه که در تاریخ ۲۷ دی ۱۴۰۳ توسط رؤسای جمهور دو کشور در مسکو امضا شد، از امروز، پنج‌شنبه مورخ ۱۰ مهر ۱۴۰۴، لازم‌الاجرا می‌گردد. انعقاد این معاهده منعکس‌کننده اراده رهبران دو کشور برای تعمیق روابط و تقویت مناسبات در همه حوزه‌های مورد علاقه دو کشور، بر مبنای احترام متقابل، حسن هم‌جواری و منافع عالیه مشترک دو ملت است. معاهده مشارکت جامع راهبردی ایران -روسیه نقطه عطفی در تاریخ روابط دو کشور و نویددهنده ارتقای سطح روابط دوستانه دو کشور در عرصه‌های مختلف موردنظر طرفین می‌باشد. این سند مهم با تعیین زمینه‌ها و اولویت‌های همکاری دو کشور، چارچوب روشنی برای تقویت مناسبات در حوزه‌های گوناگون دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، علمی- فناوری، انرژی، سرمایه‌گذاری، دفاعی، فرهنگی و... ترسیم می‌کند و بستر لازم برای هماهنگی و هم‌افزایی در جهت تأمین منافع متقابل و نیز اشتراک مساعی جهت صیانت از صلح و امنیت بین‌المللی و مواجهه با تهدیدها و چالش‌های فزاینده علیه حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی و اصول و اهداف منشور ملل متحد فراهم می‌کند. ایران و روسیه با وقوف نسبت به اهمیت بنیادین پاسداشت اصول و اهداف منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از هیچ کوششی برای صیانت از چندجانبه‌گرایی و احترام به حقوق بین‌الملل از جمله از طریق تقویت همکاری در چارچوب سازمان‌ها و ترتیبات چندجانبه همچون بریکس و شانگهای فروگذار نخواهند کرد.»